

پیچک تنهایی

نشستن روی نیمکت‌ها...

کنار هم نشستن در نیمکت‌های مدرسه، علاوه بر خاطرات خوشی که برای هر کسی دارد موجب درهم‌آمیختگی فرهنگ‌های مختلف است. افراد با شرایط و اشکال مختلف خانوادگی و اجتماعی در کنار هم به عنوان همکلاسی می‌نشینند و خواسته و ناخواسته بر هم تأثیر می‌گذارند. کمی عقب‌تر که مدارس کمتر به انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شدند، دانش‌آموزان با شرایط اقتصادی متفاوت و گاه متضاد، بیشتر از امروز کنار هم می‌نشستند (مدارس امروزی کمی بچه‌ها را از لحاظ اقتصادی — و نه فرهنگی! — یکدست‌تر کرده است). بگذریم از این‌که در میان خانواده‌های مختلف چنان اختلاف فاحشی وجود دارد که کنار هم نشستن دانش‌آموزان و جفت‌وجور شدن‌شان بسیار عجیب به نظر می‌رسد: یکی از خانواده‌ای معقول و آرام، دیگری حاصل خانواده‌ای پر از تنش و درگیری، یک نفر با پدر و مادری جدا شده از هم و دیگری غرق در رفاه یا احیاناً دارای مشکلات اقتصادی... و نتیجه تمام این‌ها دوست شدن‌هایی است بی‌غل و غش از پس تمام آن تفاوت‌های اجتماعی!

به هر حال تمام این نیمکت‌نشین‌ها دغدغه‌هایی برای خود دارند که شاید نزدیک‌ترین دوست‌شان هم معنای آن را نفهمد، و نباید هم بفهمد! از بیرون نازپرورده دردانه به نظر می‌رسد ولی از درون به هم ریخته خانواده‌ای فروریخته، دیگری حاصل خانواده‌ای سنتی بدون در نظر گرفتن خواست‌های امروزی فرزند و نتیجه بایدها و نبایدهای کلیشه‌ای و یکی دیگر هم برآمده از تازه به دوران رسیده‌ای که می‌خواهد با پول، مشکلات خود و فرزند را پنهان کند و غیرمستقیم بگوید فقط جلوی چشم من نباش!

به راستی گاهی دلم برای دبیر و معلم این کلاس‌های درس به درد می‌آید، کسی که وقتی احساس مسئولیت داشته باشد خواسته و ناخواسته وارد مسائل و مشکلات گوناگون این بچه‌ها می‌شود. مشکلاتی که گاهی خود پدر و مادر طاقت شنیدن و همراهی‌اش را ندارند!

قصه حاضر را از این زاویه باید خواند که به خوبی کنار هم قرار گرفتن این تفاوت‌ها را می‌بیند و نویسنده با هوشمندی به آن اشاره می‌کند. شاید اگر خانواده‌های مختلف با همین نگرش کتاب را بخوانند (حتی جوان‌ترها و کسانی که هنوز نیمکت‌نشین مدرسه و دانشگاه‌اند) می‌توانند با نگاهی درست از این تضادهای اجتماعی و فرهنگی برداشت منطقی کنند. تصور می‌کنم سوژه، تازگی خاص خود را دارد و به عنوان رمانی اجتماعی با لطافت‌های لازم در چهارچوب خواسته مخاطب تیزبین شادان قرار می‌گیرد، کتابی که در پایان تأثیر خود را بر خواننده می‌گذارد.

خاطرات نیمکت‌نشینی‌تان خوش!

بهمن رحیمی

فروردین‌ماه ۱۳۹۵ — تهران